

# فرهنگ مردم‌پسند و سیاست بین‌المللی (تحلیل بصری برنامه هسته‌ای ایران در کارتون‌های سیاسی آمریکا از منظر مطالعات فرهنگی)

علی حاجی‌محمدی<sup>۱</sup> - اعظم راودراد<sup>۲</sup>

## چکیده

کارتون‌های سیاسی به‌عنوان شکلی از گفتمان خبری همانند پنجره‌هایی در دنیای سیاسی عمل می‌کنند و نقش مهمی در روابط متقابل فرهنگ مردم‌پسند و سیاست بین‌المللی دارند. هدف این بررسی تحلیل بصری برنامه هسته‌ای ایران در کارتون‌های سیاسی آمریکا از منظر مطالعات فرهنگی است تا سیاست‌های بین‌المللی کنونی و فرایندهای سیاسی و شکل‌گیری موضوع‌های سیاسی غالب در آمریکا را مفهوم‌سازی کند. نتایج تحلیل کیفی عمیق نشان داد که فضای گفتمانی حاکم در این کارتون‌ها، به‌نحو مؤثری منعکس‌کننده خط‌مشی شرق‌شناسی تعریف‌شده در فرهنگ عامه‌پسند و گفتمان حاکم در غرب و به‌ویژه آمریکاست. امنیت به یک توجیه اساسی برای تبدیل هراس و ترس از دیگری به نام ایران و اسلام صورت‌بندی شده و هراس صورت‌بندی شده در این روایت عامه‌پسند سیاسی، در مفهومی برجسته‌شده از خطر نهفته انعکاس یافته است. بدین معنی که ایران به‌عنوان یک کشور اسلامی و انرژی هسته‌ای آن، خطر و تهدیدی برای امنیت آمریکا و غیرقابل اعتماد است و باید الان سیاست مداخله‌جویانه را به‌کار گرفت.

## واژه‌های کلیدی

کارتون‌های سیاسی آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران، فرهنگ مردم‌پسند، سیاست بین‌المللی، مطالعات

فرهنگی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۱۵

a.hajimohammadi.ut@gmail.com  
ravadrad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۴

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه تهران  
۲. استاد علوم ارتباطات دانشگاه تهران

❖ **مقدمه: کارتونی کردن سیاست/ سیاسی کردن کارتون**

سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

از پایان جنگ سرد، روابط بین‌الملل شاهد «بازگشت فرهنگ»<sup>۱</sup> به‌عنوان یک موضوع مورد بررسی است. در دهه‌های گذشته شاهد تحقیقات زیادی درباره محصولات فرهنگی مردم‌پسند<sup>۲</sup> از رمان و نقاشی گرفته تا موسیقی، فیلم، تبلیغات و داستان‌های تصویری بوده‌ایم (Kangas, 2009)، زیرا با ظهور مطالعات فرهنگی به‌عنوان رویکردی چندرشته‌ای و اهمیت فرهنگ مردم‌پسند به‌عنوان موضوع مورد مطالعه در چارچوب آن، به‌طور کلی این امر پذیرفته شده است که این محصولات فرهنگی مردم‌پسند، بیش و دیدگاه ارزشمندتری (نسبت به گفتمان نخبگان) برای مطالعه پدیده‌های سیاسی بین‌المللی ارائه می‌کنند (Ibid). همچنین در سال‌های اخیر، جریانی از مطالعات سرگرمی سیاسی<sup>۳</sup> در چارچوب مطالعات فرهنگی شروع شده و این مطالعات، مجموعه‌ای از تأثیرهای سرگرمی سیاسی بر نگرش‌های اجتماعی - سیاسی پیرامون موضوع‌های سیاسی را مشخص کرده است (Young, 2008). یافته‌های چنین مطالعاتی بیانگر تأثیر سرگرمی سیاسی به‌عنوان نوع خاصی از فرهنگ مردم‌پسند بر دریافت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی بوده است؛ اما در بین انواع دسته‌بندی‌های فرهنگ مردم‌پسند، فرهنگ بصری در مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل تأثیر زیادی داشته است. به بیان دیگر، امر سیاسی بیش از هر چیز دیگر مبتنی بر امر بصری و تصویر شده است. در حال حاضر، تمایز بین فرهنگ مردم‌پسند و فرهنگ سیاسی چندان مشخص نیست؛ نه تنها فرهنگ مردم‌پسند، فرهنگ سیاسی را منعکس می‌کند، بلکه توجه به فرهنگ مردم‌پسند ممکن است بر تأثیرهای ما بر فرهنگ سیاسی تأثیر بگذارد (Desousa & Medhurst, 1982). در حقیقت، موضوع‌های اجتماعی و فرهنگی، بازخورد سیاسی دارند و بیشتر موضوع‌ها و مسائل سیاسی، دلایل اجتماعی و فرهنگی دارند. به معنای دقیق، امر فرهنگی در دوران کنونی، امری سیاسی است.

- 
1. Return of Culture
  2. Popular Culture
  3. Political Entertainment

کارتون‌های سیاسی به‌عنوان یکی از اشکال طنز سیاسی-اجتماعی و فرهنگی و نوع سرگرمی سیاسی، سلاح‌های تندی از هیجان و تحریک سیاسی بوده و نقش مهمی در سیاست غرب دارند و این اسلحه بصری خوب و تند، زمانی تندتر شده و بیشتر استفاده می‌شود که هدف دشمن یا رقیبان خارجی و فرهنگ دیگری بوده یا مربوط به یک مسئله مهم یا چالش برانگیز باشد. بنابراین بحث‌های جنجال‌برانگیز و مهم در کارتونها، فرصت بی‌نظیری برای تحلیل سیاست در حوزه عمومی فراملی ایجاد می‌کند. از این‌رو، فرایند رمزگشایی کارتونها، لایه‌های بسیاری از معنی و تفسیر جامعه غرب از رویدادها را مشخص می‌کند (Hall, 1984). بر همین اساس، تحقیق درباره انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز نسبت به ساخت پیامبر اکرم (ص) در مجله‌ها و روزنامه‌های کشورهای غربی، توجه زیادی از سوی محققان از رشته‌های مختلف را به خود جلب کرده و ابعاد مختلف بازنمایی از مسلمانان و اسلام در غرب را آشکار ساخته است (Olsson, 2011؛ Strömbäck & et.al, 2008؛ Simon Weaver, 2010؛ Lindholm&Olsson, 2011؛ Shehata, 2007). این تحقیقات و تحقیقات دیگر پیرامون کارتونها، به‌ویژه کارتونها، سیاسی (سرمقاله‌ای) در رسانه‌ها نشانگر اهمیت آنها در مسائل امروزی است. کارتونها، سیاسی<sup>۱</sup> به‌عنوان رسانه اجتماعی و نیز یک امر بصری، حاوی پیام بصری و متنی پیرامون رویدادهای سیاسی هستند که از طریق نماد فرهنگ مردم‌پسند به‌وسیله کاریکاتورریست‌ها ارائه می‌شوند.

مسئله انرژي هسته‌ای ایران در دهه‌های اخیر یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار داخلی و بین‌المللی بوده و بیش از هر مسئله دیگری بر عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأثیر گذاشته است. همچنین این موضوع به اشکال گوناگون و با اهداف مختلف مورد توجه سیاست غرب بوده و هست. به‌تبع آن، این موضوع توجه بسیاری از

۱. هر چند تفاوت‌هایی بین کارتونها، سیاسی (Political Cartoon) و سرمقاله‌ای (Editorial Cartoon) دیده می‌شود اما بسیاری از مطالعات، اصطلاح کارتونها، سیاسی و کارتونها، سرمقاله‌ای را به‌جای یکدیگر به‌کار می‌برند. در این نوشتار هم، این دو، یکسان در نظر گرفته شده‌اند.

❖ سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

کاریکاتورست‌های غربی را به خود جلب کرده و هر کدام از آنها از زوایایی به بازنمایی آن پرداخته‌اند که برگرفته از فرهنگشان و نگرش نسبت به موضوعی در فرهنگ دیگری است، زیرا این اعتقاد وجود دارد که کارتون‌های سیاسی درباره برنامه هسته‌ای ایران واجد منابع تصویری ارزشمند و دارای دلالت و معانی سیاسی و برگرفته از ارزش‌های فرهنگی غالب جامعه بازنمایی‌کننده هستند. تحقیقات اندک انجام‌شده در ایران پیرامون کارتونها (کاریکاتورها) (سید احمد کرمانی؛ ۱۳۸۰، محسنیان‌راد، ۱۳۸۱؛ فخری، ۱۳۹۰) نشان داده که در تحقیقات داخلی هیچ‌گونه تحقیقی راجع به بازنمایی پدیده‌های مختلف ایران در کارتون‌های سیاسی خارجی صورت نگرفته است، در حالی که این کارتونها تبدیل به قسمت مهمی از رسانه‌های غربی درباره ایران و مسلمانان شده‌اند و این موضوع زمانی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که کارتون‌های سیاسی درباره برنامه هسته‌ای ایران باشد. سؤال این است کارتون‌های سیاسی غرب و به‌ویژه آمریکا به‌عنوان امر بصری فرهنگی، چگونه برنامه هسته‌ای ایران را بازنمایی کرده‌اند؟ این نوع مطالعه می‌تواند چارچوب‌های فرهنگی پنهان و مقوله‌هایی مثل اسطوره‌ها، کلیشه‌ها، پیش‌داوری‌ها و عقیده‌ها (ایدئولوژی) را آشکار کند که بر مفهوم‌سازی فرهنگی - اجتماعی سیاست‌های بین‌المللی جاری تأثیر می‌گذارد. بنابراین هم از بُعد روش‌شناختی و هم از بُعد رویکرد، با تحقیقات مذکور متفاوت است و بر نقش فرهنگی کارتون‌های سیاسی از زاویه چندرشته‌ای مطالعات فرهنگی تأکید می‌کند.

### چارچوب نظری: مطالعات فرهنگی ارتباطات بصری

دیدگاه مطالعات فرهنگی، بنیان مفهومی و ابزارهای روش‌شناختی ضروری برای تحلیل چندرشته‌ای کارتون‌های سیاسی ارائه می‌کند. مطالعات فرهنگی علاقه‌مند به این است که چگونه عملکردها و صورت‌های زندگی روزمره فرهنگ به گروه‌هایی با ارزش‌های فرهنگی مختلف و علائق اجتماعی مربوط می‌شود و چگونه روابط قدرت بین چنین گروه‌هایی تشکیل شده و با فرهنگ زندگی روزمره شکل می‌گیرد (Aiello, 2006; Ryan, 2010).

رویکرد مطالعات فرهنگی، رویکردی برساخت‌گرایانه است زیرا دلالت<sup>۱</sup> به‌عنوان یک عمل و شیوه معناسازی در نظر گرفته می‌شود که به ما اجازه مفهوم‌سازی داده و از این رو واقعیت ما را تشکیل می‌دهد. طبق نظر استوارت هال، یکی از مسائل بنیادین در مطالعات فرهنگی این است که چه نوع از معانی به‌طور نظام‌مند به‌دست آمده و به‌طور منظم حول رویدادهای خاص برساخته شده است (Aiello, 2006: 97). در این نوشته، رویکرد مطالعات فرهنگی، بنیان نظری و مفهومی مقاله را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که مطالعات فرهنگی چندرشته‌ای است، رویکردها و ابزارهای تحلیلی خود را از سایر رشته‌ها و حوزه‌ها می‌گیرد. بر همین اساس، در این نوشتار، از ظرفیت‌های نظری و روشی نظریه‌های بارت، هال، رویکرد بورک و قاعده و معیار رتوریک سبک مدهورست و دسوزا استفاده می‌شود که در ادامه جزئیات آن توضیح داده خواهد شد.

در بین انواع دسته‌بندی‌های بصری در ارتباطات، کارتونها برای مطالعات فرهنگی ارتباطات بصری، مهم و ارزشمند هستند زیرا ویژگی‌های جامعه را آشکار می‌سازند که معمولاً از طریق نظرسنجی‌های افکار عمومی و سایر منابع قابل مشاهده نیستند (Dodds, 2010; Danjoux, 2007). کارتونها‌های سیاسی نمونه‌های کاملی از سیاست به‌منزله عملکردی از فرهنگ مردم‌پسند هستند و از روش‌های مختلفی برای مطالعه آنها استفاده کردند. اما این مطالعه تلاش می‌کند تا ابزار روش‌شناختی ترکیبی را توسعه داده و رویکردهای مطالعات فرهنگی، فن بلاغت بصری و نشانه‌شناسی را کنار یکدیگر قرار دهد. در این روش، کارتونها‌های سیاسی غرب درباره برنامه هسته‌ای ایران درون لایه‌های سبکی، استعاره‌ای/ نمادین و عقیدتی (ایدئولوژیک)/ اسطوره‌شناختی و اسازی می‌شوند. هسته روش از مطالعات فرهنگی نشئت گرفته و بر سطوح ضمنی و آشکار معنی بنا نهاده شده که از سوی بارت و هال توسعه یافته است، بنابراین متناسب با هر یک از لایه‌ها، سؤال‌ها به شکل زیر مطرح و ترکیب‌بندی می‌شوند:

## 1. Signification

- فرهنگ چگونه می‌تواند بر سبک و طراحی کاریکاتوریست‌های غربی درباره انرژی هسته‌ای ایران تأثیرگذار باشد؟ به عبارت دیگر، تا چه حد عناصر سبکی و انتخاب‌های طراحی بر معنی و پیام کارتون‌های سیاسی غرب درباره انرژی هسته‌ای ایران تأثیر می‌گذارد؟ (سطح آشکار و لایه سبکی).
  - چه استعاره‌ها، نمادها، روایت‌ها و غیره در کارتون‌های سیاسی غرب پیرامون برنامه هسته‌ای ایران استفاده شده است؟ چه معانی و اشاره‌های سیاسی - فرهنگی درباره برنامه هسته‌ای ایران با لایه‌های استعاره‌ای / نمادین در کارتون‌های سیاسی بر ساخته شده است؟ (سطح ضمنی، لایه استعاره‌ای / نمادین).
  - پیام اسطوره‌ای / عقیدتی منتج از ترکیب لایه‌های سبکی و نمادین کارتون‌های سیاسی درباره انرژی هسته‌ای چیست که معانی آنها فراتر از خود کارتونها هستند؟ به عبارت دیگر، چگونه پیام‌های سیاسی / عقیدتی فرهنگ غربی درباره انرژی هسته‌ای ایران در یک روش مردم‌پسند و در کارتون‌های سیاسی بازنمایی می‌شوند؟ معنای سوم کارتون‌های سیاسی درباره روابط قدرت در سیاست بین‌المللی چیست؟ (سطح ضمنی، لایه اسطوره‌ای / عقیدتی).
- هدف از به‌کارگیری این روش، دست یافتن به نتیجه‌گیری‌های فرهنگی از طریق تحلیل سه لایه‌ای است تا لایه‌های معنایی این کارتون‌های سیاسی غرب را نسبت به موضوع فرهنگ دیگری یعنی انرژی هسته‌ای ایران آشکار کنیم. هسته روش از مطالعات فرهنگی و بر سطوح ضمنی و آشکار معنی بنا نهاده شده که از سوی بارت و هال توسعه یافته است.

#### سطح معنای صریح و ضمنی

طبق نظریه بارت، سطح اول و دومی از معنا وجود دارد. مسئله بازنمایی در سطح معنای صریح پرسیده می‌شود. معنای صریح، نقطه شروع و مربوط به نشان دادن تصویر به‌طور عینی است و سطح اولیه معنا در تحلیل پیام‌های بصری است. سپس معنا سازی به سطح دوم

تغییر پیدا می‌کند که معنای ضمنی و مربوط به معنی (طیفی از معانی احتمالی) نمادین یا عقیدتی یک تصویر بوده و تجربه غنی‌تری از معنی را ارائه می‌کند که در رمزگان‌های فرهنگی قرار گرفته‌اند و سطح دوم معنا در تحلیل پیام‌های بصری، دومین مرتبه دلالت و پیام نمادین و لایه معنایی عمیق پنهان و غیرمستقیم نشئت گرفته از تجربه‌های گذشته یا تداعی‌های معنایی تکراری بین یک نشانه و ابژه است (چندلر، ۱۳۸۶؛ Burton, 2005).

### سطح معنای صریح و آشکار

برای دست یافتن به معنای اولیه، از قاعده و معیار رتوریک سبک<sup>۱</sup> مدهورست و دسوزا<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) در امور بصری استفاده می‌شود. این قاعده و معیار، هشت جزء دارد: خط، شکل، اندازه، کاریکاتور، آرایش، رابطه متن، تصویرسازی بصری و تدوین موزون (مونتاز ریتمیک)<sup>۳</sup> (اثر متقابل خلاق چندین عنصر سبکی برای تقویت طنز، ترغیب یا پیام). مدهورست و دسوزا دیدگاه رتوریک بصری را برای کارتون‌های سیاسی استفاده کردند و کارتونی کردن امر سیاسی را به‌عنوان شکل هنری متقاعدکننده بررسی کردند (Kenney, 2002: 56). این قاعده به ارتباط و پیوند بین رتوریک بصری و مطالعات فرهنگی کمک مؤثری می‌کند.

### سطح معنای ضمنی و تلویحی

در این مقاله به‌طور کامل از الگو و مدل نشانه‌شناسی بارتی پیروی نمی‌شود. از نظر بارت، معنای ضمنی، معانی فرهنگی، اسطوره‌ها و عقیده را منعکس می‌کنند. از نظر او، سطح ضمنی، سطح عقیدتی است (به بیان دیگر، قبلاً عقیدتی بوده است)؛ منتهی، او اسطوره را بر نشانه‌شناسی خویش به‌عنوان فرامعنا<sup>۴</sup> اضافه می‌کند. مقوله‌بندی استفاده‌شده در این مقاله کمی تغییر یافته است. در اینجا، سطح ضمنی به دو لایه تقسیم شده است:

1. Style
2. Medhurst and DeSousa
3. Line, Form, Size, Caricature, Placement, Relation of Text, Visual Imagery and Rhythmic Montage
4. Meta-Meaning

❖ لایه اول، لایه نمادین / استعاره‌ای است که در آن معانی قراردادی / فرهنگی به نشانه‌ها، نمادها و استعاره‌های مشخص و معین اضافه شده، تحلیل می‌شوند. در این مرحله، ما از چارچوبی استفاده می‌کنیم که کنت بورک<sup>۱</sup> برای فهم و مشخص کردن نحوه ترغیب کارتون‌های سیاسی ارائه می‌کند. رویکرد بورک برای استفاده و اعمال در امر بصری و دیداری مناسب است (Moss, 2007: 241) و بر چهار مجاز اصلی بورک یعنی استعاره، طنز، مجاز جز به کل و مجاز مرسل<sup>۲</sup> تأکید می‌کند که در پی سازمان‌دهی و ساخت پیام‌ها هستند.

سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

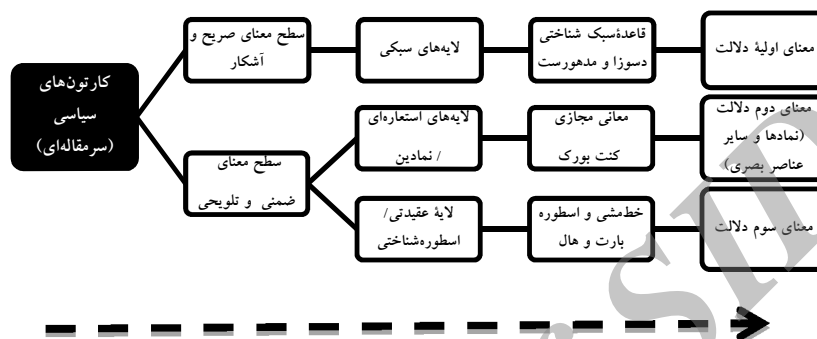
لایه دوم، اسطوره‌ای / عقیدتی است. بارت یک لایه عقیدتی اضافی را به دلالت‌مندی معرفی می‌کند: اسطوره. ترکیب معنی مستقیم و ضمنی یک تصویر، لایه سوم از معنی را شکل می‌دهد که به وسیله تصویر به منزله «زنجیره‌ای از مفاهیم مرتبط به هم» حاصل می‌شود. در واقع، سومین مرتبه دلالت است. اسطوره، شیوه فهم و مفهوم‌سازی یک فرهنگ درباره پدیده‌های مختلف است (Aiello, 2006: 92). چنین مفهوم‌سازی از اسطوره، به مفهوم استوارت هال<sup>۳</sup> از عقیده بسیار نزدیک است. استوارت هال دو فرایند دلالت‌گری ضمنی و اسطوره‌سازی را از یکدیگر تفکیک نمی‌کند بلکه این دو مفهوم را در یک راستا و در دنباله یکدیگر (ولی در سطوح معنایی متفاوتی) درک می‌کند. علی‌رغم اشاره هال به «جنس مشترک» معنای ضمنی و اسطوره، اسطوره را در سطح بالاتری از معنای ضمنی قرار می‌دهد و دومین سطح از دلالت‌گری را سطح «اسطوره» می‌نامد (1997: 39). لایه اسطوره‌ای / عقیدتی به فراخوانشی از کارتون‌های سیاسی برگزیده برای عقیده و اسطوره‌های طبیعی شده در معانی ضمنی فرهنگی سیاست‌های بین‌المللی اشاره می‌کند. در نمودار (۱) نمای کلی از مراحل آمده است:

- 
1. Kenneth Burke
  2. Metaphor, Irony, Metonymy, Synecdoche
  3. Stuart Hall



شیوه‌های مورد استفاده لایه‌های تحلیل سطوح معنایی

نژدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳



نمودار ۱. مدل نظری و تحلیلی

## روش‌شناسی

به دلیل اینکه نوشتار حاضر بر پایه مطالعات فرهنگی انجام می‌شود، روش، کیفی است، برخلاف روش‌های کمی که نمونه‌گیری مبتنی بر منطق‌های آماری است، در اینجا از نمونه‌گیری هدفمند یا نظری<sup>۱</sup> استفاده شده است (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸). این کار بر مبنای مرتبط بودن موردها با بررسی و به روش قضاوتی و راهبردی، نه معرف بودن، انجام گرفته است. بنابراین ۱۲ کارتون سیاسی در سال ۲۰۱۱ م. که برنامه هسته‌ای ایران در آنها دلالت‌کننده اصلی بود از دو سایت مهم کارتون‌های سیاسی و سرمقاله‌ای آمریکا<sup>۲</sup> که منبع و مخزن اصلی کارتون‌های سیاسی و سرمقاله‌ای بیش از ۹۰ کاریکاتوریست مشهور آمریکا هستند و کارتون‌های موجود در آنها در اکثر روزنامه‌های چاپی و الکترونیک چاپ می‌شوند و از سوی محققان گذشته به‌عنوان منبع جامع، مناسب و معتبر کارتون‌های سیاسی استفاده شده است به‌طور تصادفی انتخاب شدند. سپس برای به حداقل رساندن سوگیری، نظر ۴۰ نفر از متخصصان علوم ارتباطات، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل درباره

1. Theoretical or purposive sampling

2. (<http://www.politicalcartoons.com>) و (<http://editorialcartoonists.com/cartoon>)

❖ حساسیت و جدی بودن موضوع و دلالت معنایی کارتون‌ها بر اساس طیف لیکرت (خیلی، تا حدودی، کمتر و نمی‌دانم) پرسیده شد. در نهایت، دو مقاله (کارتونی) که بیشترین فراوانی را نسبت به بقیه داشتند برای تحلیل عمیق انتخاب شدند. در جدول (۱) عنوان ۱۲ کارتون سیاسی آمده است.

جدول ۱. کارتون سیاسی

عنوان	کاریکاتوریست	عنوان	کاریکاتوریست
Iran and IAEA	Arend Van Dam	Rick McKee	Iranian Nuke
US government, Iran, nuclear, Obama, Russia, ...	Gustavo Rodriguez	Tom Janssen	Iran Nuclear Weapons
Let Them Eat Yellow Cake	Edward Margolis and Noah Crissey	Iranuke	Frederick Deligne
Riots in Iran	Mike Keefe	Ahmadinejad making a nuclear bomb	Riber Hansson
Irans Nuclear Program	Bob Englehart	Irans Economy	Osama Hajjaj
Iran Nuke ambition Unliked	Manny Francisco	Ahmadinejad Pinocchio	Hajo de Reijger

سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

### تحلیل نمونه‌های برگزیده کارتون‌های سیاسی



نمونه ۱. دولت آمریکا، ایران، هسته‌ای، اوپاما، روسیه ... گوستاوو رودریگوز، ال نئو هرالذ، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۱

1. Gustavo Rodriguez, US government, Iran, nuclear, Obama, Russia, ..., El Nuevo Herald, Available at: Tuesday, November 15, 2011, <http://editorialcartoonists.com/cartoon/display.cfm/105197>

در این کارتون، رؤسای جمهوری‌های روسیه، چین، آمریکا و ایران در یک زمین فوتبال دیده می‌شوند. رئیس‌جمهوری چین و روسیه کنار هم (در روی کلاه آنها، روسیه و چین نوشته شده است) و روبروی آنها رئیس‌جمهور آمریکا (سیاه‌پوست و کشیده که نشانه او باماست) ایستاده و رئیس‌جمهور وقت ایران (روی پیراهن، ایران درج شده است) دور از آنها و گوشه میدان و در حال گرفتن توپ دیده می‌شود. حالت فیزیکی رئیس‌جمهورهای روسیه و چین از همه بزرگ‌تر و چاق‌تر در یک طرف (رئیس‌جمهور روسیه نسبتاً چاق‌تر از چین به تصویر کشیده است اما تفاوت بین آنها معنی‌دار نیست)، رئیس‌جمهور آمریکا لاغر و تا حدی بلندقدتر در مقابل آنها و رئیس‌جمهور وقت ایران هم لاغرتر و هم کوچک‌تر از بقیه در طرف دیگر کارتون به تصویر کشیده شده است. تصاویر رئیس‌جمهورهای چین، روسیه و آمریکا به‌عنوان شخصیت‌های اصلی به نگاه بیننده نزدیک‌ترینند.

حالت چهره رئیس‌جمهورهای چین و روسیه خندان و رئیس‌جمهور وقت ایران خندان و مشتاق دیده می‌شود؛ اما رئیس‌جمهور آمریکا نگران و در فکر فرو رفته است. رئیس‌جمهورهای چین و روسیه تقریباً شانه به شانه و کنار هم ایستاده‌اند به طوری که دست چپ رئیس‌جمهور روسیه در پشت رئیس‌جمهور چین قرار گرفته (در عکس، دست چپ دیده نمی‌شود) و در حالی که به رئیس‌جمهور ایران و فعالیت او (گرفتن توپ) اشاره می‌کنند، با گفتن متن [نه، نه، نه ... شما برید! ما مواظبیم] با رئیس‌جمهور آمریکا گفتگو می‌کنند. صورت و حالت فیزیکی رئیس‌جمهور ایران، روسیه و چین در مقایسه با رئیس‌جمهور آمریکا بیشتر کاریکاتوری شده‌اند، بر همین اساس است که رئیس‌جمهور آمریکا در لباس و کلاه خود هیچ علامت و برجستگی دال بر آمریکا ندارد و پوست سیاه و کشیده بودن قد او دال بر رئیس‌جمهوری آمریکا یعنی او باماست.

این عناوین و متن به‌طور معناداری به هم پیوند خورده‌اند و نشانه‌هایی برای مفهوم‌سازی و معنی در سطوح دیگر هستند. در این کارتون، میدان بازی فوتبال آمریکایی

---

1. No, no, no... You go! We watch.

❖ استفاده شده و می‌تواند مانع فرایند ارتباطات در یک مدل جدی شود (فوتبال یک بازی سرگرم‌کننده است)، اما به‌عنوان یک عنصر استعاره‌ای مهم برای نشان دادن میدان جنگ سیاسی به‌کار رفته که در آن دشمنان (رقبا) رقابت می‌کنند تا بازی (جنگ) را ببرند و بازی فوتبال آمریکایی استعاره از فعالیت سیاسی است. در این زمین فوتبال آمریکایی چهار بازیکن فوتبال دیده می‌شود: سه بازیکن در یک تیم (با توجه به رنگ لباس، کلاه و محافظ، رئیس‌جمهورهای چین، روسیه و آمریکا اعضای یک تیم را تشکیل می‌دهند) و بازیکن دیگر (با توجه به رنگ لباس و کلاه متفاوت، رئیس‌جمهور وقت ایران است) متعلق به تیم مقابل است. در زمین مسابقه فوتبال، مبارزه و رقابت بر سر گرفتن توپ فوتبال است. در این زمین، رئیس‌جمهور وقت ایران (بازیکن تیم مقابل) مشتاقانه در حال گرفتن توپی است که برچسب بمب هسته‌ای دارد. بنابراین توپ فوتبال استعاره از بمب هسته‌ای است که ایران درصدد دستیابی به آن است. از سوی دیگر، هر کدام از بازیکنان متعلق به قسمتی از جهان هستند. ایران متعلق به خاورمیانه، چین متعلق به جنوب‌شرق آسیا، روسیه متعلق به شرق و اروپا و آمریکا متعلق به قاره آمریکا است، بنابراین مسابقه جهانی است. نمادگرایی فوتبال را می‌توان به‌عنوان یک مرجع و معادل جهان در نظر گرفت، چرا که بازیگران این عرصه از همه جهان هستند. بنابراین تلاش و دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، موضوع جهانی بوده و مسئله مهم این میدان بازی است.

چرا به‌جای فوتبال معمولی و راگبی، از فوتبال آمریکایی استفاده شده است؟ در اینجا برای درک بهتر این استعاره‌ها نیازمند توضیح زمینه‌های فرهنگی هستیم. بسیاری از آمریکایی‌ها به‌دلیل زمینه خرد فرهنگ خاص خویش، درباره بازی فوتبال یک طرحواره فازی دارند. فوتبال آمریکایی دارای ویژگی‌هایی است که آنرا از فوتبال راگبی و معمولی جدا می‌کند. رشته‌ای بسیار خشن که به بازیکن اجازه ضربه زدن و هجوم به بازیکن صاحب توپ و سایر بازیکنان را می‌دهد و به همین دلیل بازیکنان فوتبال آمریکایی دارای

حفاظ صورت، سر و بدن هستند. بازیکن آزاد است به راحتی ضرباتی به سر یا قسمت‌های مختلف بازیکن حریف وارد کند؛ در راگی یا فوتبال معمولی چنین قانونی وجود ندارد.

در این کارتون، رئیس‌جمهورهای روسیه، چین و آمریکا دارای محافظ سر و صورت و بدن (و در عین حال، بزرگ‌تر و چاق‌تر هستند)، اما لباس رئیس‌جمهور وقت ایران، به دلیل کوچک و لاغر بودنش، طوری نشان می‌دهد که شباهتی به محافظ ندارد و گویی نمی‌تواند او را از آسیب‌ها حفظ کند. دوم اینکه رنگ لباس او شبیه رنگ لباس‌های جنگی است (کرم و سبز خاکی) و کلاهش نیز شبیه کلاه جنگی شده است. کارتون این‌طور القا می‌کند که یک کوچولوی بازیگوش، کار خطرناکی انجام می‌دهد که هم خودش و هم دیگران را به دردسر می‌اندازد و باید جلوی او را گرفت. این امر بیانگر آن است که آنها قاعده بازی را بلد هستند و ایران آشنایی چندانی با این بازی ندارد. بنابراین ضربه زدن به چنین بازیکن کوچکی راحت‌تر است و آمریکا، چین و روسیه به دلیل آشنایی با قواعد و نیز نبود قانونی روشن می‌توانند به بازیکن صاحب توپ (ایران) حمله کنند. در گفتگوی بین‌عناوین، متن و تصویر، رابطه معنی‌داری وجود دارد. قرار دادن او با در وسط تصویر بین رئیس‌جمهور ایران در یک طرف و رئیس‌جمهور روسیه و چین در طرف دیگر، یک تدوین موزون است. این امر نه تنها رابطه بین کنشگران سیاسی را آشکار می‌کند بلکه نگاه و دیدگاه آنها نسبت به موضوع اصلی بازی، یعنی انرژی هسته‌ای ایران را آشکار می‌سازد.

برای تفسیر این قسمت از کارتون، نیازمند درجه‌ای از دانش درباره موقعیت و شرایط سیاسی در عرصه بین‌المللی هستیم که این چهار قدرت بر سر منافع اقتصادی و سیاسی‌شان تلاش می‌کنند. چین، روسیه و آمریکا جزء گروه مذاکره‌کننده ۵+۱ با ایران در مورد مسئله انرژی هسته‌ای (توپ فوتبال) هستند، بر همین اساس رنگ پیراهن آنها یکسان و رنگ پیراهن ایران متفاوت است. بنابراین در زمین فوتبال، آنها در یک تیم و ایران در تیم مقابل است. اما اظهارنظرها و کنش‌های سیاسی دولتمردان کشورهای یادشده تا الان نشان داده که چین و روسیه بنا به دلایل مختلف در مقابل ایران قرار ندارند و این امریکاست که مخالف

❖ سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

سرسخت انرژی هسته‌ای ایران است. رمزگشایی دقیق این استعاره‌های ظریف و ارتباط آنها با یکدیگر، نیازمند پیوند متن با تصویر است. حباب گفتار مشترک روسیه و چین خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا [نه، نه، نه ... شما برید! ما مواظبیم.] می‌تواند کمک بزرگی در این تقابل باشد. این امر بیانگر دیدگاه‌های مختلف این گروه پیرامون مسئله انرژی هسته‌ای ایران است. این مسئله را می‌توان با عمل کنشگران در فضای کارتون توضیح داد. کنار هم قرار گرفتن چین و روسیه (شانه به شانه) و اشاره به ایران (با دست) با آن کنش گفتاری و حالت اطمینان، نشان از جهت و مسیر یکسان آنها نسبت به ایران (و انرژی هسته‌ای) است. در حالی که اواما رو به بیننده ایستاده و حالت چشمان او مسیری را نشان می‌دهد که همسو با چین و روسیه نیست و نوعی نگرانی و تأمل را نشان می‌دهد. بنابراین، گروه‌بندی آنها و کنش تصویری و گفتاری گفتمان کاریکاتور (رابطه بین متون و تصویر به‌طور کلی) نشان می‌دهد که رابطه بین آمریکا و روسیه و چین رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد نیست، این موضوع را می‌توان از عکس‌العمل اواما نسبت به رئیس‌جمهورهای چین و روسیه و کنش آنها فهمید. او به مسیر گفتار رئیس‌جمهورهای چین و روسیه توجه نمی‌کند؛ بلکه نگاه و کنش او به سمت بیننده همراه با شک، تردید و بدگمانی است و علامت تعجب در عبارت «شما برید!» نشانه دیگری بر تأیید این ادعاست. اگر از لحاظ عمل و فعالیت و فیزیک بدنی به فضای این کارتون نگاهی دقیق بیندازیم، می‌توانیم پیام کلی آن را بفهمیم. استعاره دیگر، قدرت و کنشگری بازیگران در این فضا است. چین و روسیه بزرگ‌تر از آمریکا و کنش کلامی (متن) و غیرکلامی (دست و چشم) فعال‌تری نسبت به آمریکا (ارتباط چشم به‌منزله بدگمانی و سوءظن و دست به علامت تسلیم) دارند و ایران با اینکه کوچک‌تر است، کنشگر فعالی است که کنش غیرکلامی فعال‌تری نسبت به همه دارد و نشان از عمل‌گرایی است. همه اینها برای رساندن پیام کارتون، نشانه‌های خوبی هستند. بدین معنا که روسیه و چین در انرژی هسته‌ای ایران قدرت زیادی دارند (بزرگ‌تر از آمریکا به تصویر کشیده شده‌اند) و کنشگری آنها باعث شده تا ایران که کوچک است در صدد دستیابی به بمب هسته‌ای باشد،

از این رو ایالات متحده نباید در این زمینه به آنها اعتماد کند. از سوی دیگر، با استعاره فوتبال آمریکایی، به نقش طرفدار مداخله در سیاست‌های جهانی اشاره می‌کند.

در سطح عقیدتی / اسطوره‌ای، ایده عقیدتی این است که سیاست خارجی طرفدار مداخله آمریکایی طبق ایدئال‌های دموکراسی در خاورمیانه شکل بگیرد. ایران بی‌پروا به دنبال سلاح هسته‌ای است. در این راستا، کارتون، سیاست‌های آمریکا و اعتماد آن به روسیه و چین را مورد انتقاد قرار می‌دهد. راهبرد چین و روسیه و اعتماد آمریکا به آنها تا امروز نتیجه‌ای نداشته است و حاصل آن، دسترسی نزدیک‌تر ایران به بمب هسته‌ای (ایران در صدد گرفتن توپ) و قدرتمند شدن چین و روسیه در عرصه بین‌المللی است، زیرا روسیه و چین در چارچوب منافع اقتصادی خویش در این قضیه عمل می‌کنند و اشتیاق زیادی دارند تا با ایالات متحده در جنگ بر سر قدرت سیاسی رقابت کنند (چین و روسیه بزرگ‌تر و قدرتمندتر از آمریکا به تصویر کشیده شده‌اند)، بنابراین آمریکا نباید به سیاست و کنش‌های گفتاری چین و روسیه اعتماد کند [نه، نه، نه ... شما برید! ما مواظبیم]. و در نتیجه بی‌صداقت آنها، باید در این زمینه محکم عمل کند (مداخله کند). به‌رغم گزارش بازرسان بین‌المللی از عدم انحراف انرژی هسته‌ای ایران و فقط توانایی غنی‌سازی اورانیوم، پیام کارتون این است که هر چند ایران در حال حاضر دارای بمب هسته‌ای نیست، اما در آینده نزدیک این اتفاق رخ می‌دهد. صرف داشتن توانایی غنی‌سازی اورانیوم نشانگر مقاصد نظامی ایران است. در واقع، رویداد اتفاق نیفتاده را به‌مثابه گزارش واقعی از جهان اجتماعی برمی‌سازد. این رویداد به‌طور قطع اتفاق خواهد افتاد و باید الان سیاست مداخله‌جویانه را به‌کار گرفت. این، یکی از سطوح عقیدتی پیام کارتون است.

هر چند کارتون، شرایط ذاتی این سیاست را آشکار می‌سازد، اما هم‌زمان، اسطوره‌ای نسبتاً ناموفق را واسازی می‌کند: خلع سلاح هسته‌ای. آمریکا، روسیه و چین خود جزء پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند؛ اما این کشورها در اجرای تعهد خود در عهدنامه شکست خورده‌اند. نه‌تنها هیچ نوع تلاشی برای پایان دادن به گسترش سلاح و زرادخانه

❖ سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

هسته‌ای انجام نداده‌اند؛ بلکه آمریکا در حال حاضر به‌طور آشکارا به توسعه سلاح‌های جدید هسته‌ای ادامه می‌دهد. اکنون مخالفت آن با کشوری که سلاح هسته‌ای ندارد و در صدد استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است، ریشه در اسطوره غربی «ما» در مقابل «آنها» دارد و این اسطوره در آمریکا نسبت به جاهای دیگر بیشتر مشهود است. همچنین راستای سرمایه‌داری جهانی و منافع غربی در انرژی به‌ویژه در خاورمیانه است. در گفتمان این کارتون، غرب در مقابل ایران اسلامی، تعیین‌کننده تمایز میان «ما (خود)» و «آنها (دیگری)» است. همان‌طور که مطرح شد، مسئله انرژی هسته‌ای ایران مسئله جهانی است اما بیشترین تأکید در این کارتون، تمایز بین ایران اسلامی (به‌منزله آنها و دیگری) و آمریکا (به‌منزله ما و خود) است. دولت ایران به‌دلیل اینکه اسلامی است، غیرقابل اعتماد است و تلاش‌های دیپلماتیک روسیه و چین برای مهار ایران در دسترسی به بمب هسته‌ای امتیاز دادن به کشوری است که اسلامی بوده و اسلام یک تهدید است. این اساس عقیدتی و اسطوره غربی ما در مقابل آنها در این کارتون است. در حقیقت، اختلاف با جهان اسلام و در نتیجه ایران، نیاز درونی جامعه غربی برای تهدید و در عین حال غلبه و سلطه بر دیگری است.



نمونه ۲. ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آرنند ون دام، ۷ نوامبر ۲۰۱۱

1. Arend Van Dam, Iran and IAEA,  
<http://www.politicalcartoons.com/cartoon/44c1b16a-e633-41da-a561-1633f0c24f79.html>, Nov 7, 2011 10:59 AM.



در این کارتون، در سطح آشکار و صریح، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دو روحانی به‌عنوان کنشگران این کارتون دیده می‌شوند که در فضایی باز روبروی مسجدی هستند که در روی آن علامت بمب اتمی قرار دارد و روبروی مسجد تابلویی قرار دارد که روی آن عبارت «ایران» نوشته شده است. از لحاظ اندازه، هیچ‌کدام از شخصیت‌ها بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از یکدیگر نیستند. مسجد با گنبدهایی بزرگ از موشک و علامت بمب هسته‌ای از همه عناصر کارتون، بزرگ‌تر و برجسته است. از لحاظ حالت بدنی، توجه به نوع ترسیم جزئیات حالت چهره بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و روحانیان نشان می‌دهد که آنها ایستا نیستند و با ارتباط دست و بیان صورت با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در حالی که در یک طرف فضای کارتون، روحانیان با دست به مسجد اشاره می‌کنند و در طرف دیگر، نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نشانه تعجب به اشاره مسئولان جمهوری اسلامی می‌نگرند، اما روحانیان با گفتن عبارت «مسجد جدید ما» از نظر گفتاری فعال‌ترند. از نظر کاریکاتوری، شخصیت روحانیان نسبت به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اغراق و کاریکاتوری شده است و آنها ملبس به لباس سنتی روحانیت و محاسن هستند. از لحاظ آرایش مکانی، مسجد در وسط تصویر به‌عنوان عنصر اصلی و مرکزی معنی صریح و آشکار است و به‌عنوان خط جداکننده دو قسمت تصویر عمل می‌کند. رابطه متن با عناصر بصری، ویژگی تبیین‌کننده دارد و به ما کمک می‌کند بفهمیم روحانیان و نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر چه موضوع و مسئله‌ای گفتگو می‌کنند، روحانیان متعلق به کدام کشور هستند و ارتباط آنها با انرژی و بمب هسته‌ای چیست. در حقیقت، تصاویر و متن به‌طور معناداری به هم پیوند خورده‌اند و نشانه‌هایی برای مفهوم‌سازی و معنی در سطوح دیگر هستند. در گفتگو بین عناصر بصری و متن «مسجد جدید ما» و با قرار دادن مسجد (با علامت بمب هسته‌ای و مناره‌هایی از موشک) بین نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و روحانیان و تابلو با نام «ایران» و نیز حالت چهره همه کنشگران تدوینی

## 1. Our New Mosque

❖ موزون ایجاد شده است. اینها نه تنها رابطه بین کنشگران، بلکه دیدگاه آنها نسبت به مسئله اصلی (مسجد) را نشان می‌دهند. در حقیقت، تصویر مسجد با نمادهای سلاح‌های اتمی ترکیب شده است. با استفاده از تحلیل همنشینی می‌توان گفت که دو نماد اسلامی، یعنی لباس روحانیت و مسجد، در کنار نماد جنگ یعنی همان نشانه‌های سلاح‌های اتمی قرار داده شده است و با این کار اسلام و جنگ در کارتون همنشین شده‌اند. به این وسیله اسلام، دینی معرفی شده که با خشونت، جنگ و کشتار دسته‌جمعی همراه است. در واقع هجوم این کارتون، نه فقط به ایران بلکه به اسلام است.

سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

در سطح ضمنی و نمادین، چندین عنصر نمادین در کارتون وجود دارد. یک استعاره مهم، نمادسازی مسجد به عنوان سایت انرژی هسته‌ای است و با عبارت «مسجد جدید ما» این استعاره برای نشان دادن سایت انرژی هسته‌ای ایران به کار رفته که ایران به دنبال ساخت بمب هسته‌ای است، زیرا در مقابل مسجد و نزدیک به دیدگاه بیننده، نام «ایران» درج شده است. گنبد و مناره‌های مسجد استعاره از موشک دوربرد است که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای است. به عبارت دیگر، نتیجه و برون‌داد فعالیت‌های زیرزمینی اتمی ایران در مسجد، ساخت موشک‌های هسته‌ای است. بنابراین عبارت «مسجد جدید ما» بالای سر مسئولان جمهوری اسلامی، مناره‌های مسجد که از موشک ساخته شده، علامت بمب هسته‌ای که بر روی مسجد درج شده است و تابلوی ایران مقابل مسجد به یک مسئله مشکل‌زا و غیرمتعارف اشاره دارند، زیرا در این کارتون از مسجد استفاده شده و می‌تواند مانع فرایند درک ارتباطات شود. مسجد، مکان مقدس معنوی و مذهبی مسلمانان و بازتولید ایمان در جامعه اسلامی، چه ارتباطی با مسئله انرژی هسته‌ای ایران دارد؟ در اینجا مسجد که متعلق به حوزه دینی و انرژی هسته‌ای که متعلق به حوزه انرژی و تا حدی امنیتی است با ترکیب بصری، فضایی مشخص (فضای سوم) را تشکیل داده‌اند. معنای جدید در فضای جدید (سوم) ظهور می‌کند، معنایی که در دو فضای قبلی نیست. معنای جدید در استعاره نهفته است. مسجد به عنوان عنصر استعاره‌ای مهم، برای نشان دادن مکان و سایت بمب هسته‌ای

ایران به کار رفته که ایران درصدد ساخت بمب هسته‌ای در زیر آن است و این مسئله با حالت بیان صورت همه کنشگران و به‌ویژه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمود بیشتری پیدا می‌کند. هر چند مسجد مساوی با بمب و انرژی اتمی نیست اما فضای گفتمانی این کارتون به خواننده القا می‌کند همچنان‌که گنبدهای مسجد، بلند و به آسمان اشاره می‌کنند، موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای نیز افزاشته و رو به آسمان هستند. در حقیقت در اینجا جایگزینی عنصر مورد انتظار (گنبد) با عنصر غیرمنتظره (موشک) اتفاق افتاده است.

نمایندگان ایران در کنار هم و شانه به شانه با حالت عصبانی و ناراحتی و با نگاه به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مسیر یکسانی - مسجد جدید- را با انگشتان خویش نشان می‌دهند که روی آن برچسب بمب هسته‌ای درج شده و مناره‌هایش از موشک است. در آن سوی تصویر، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی که روی لباس آنها نام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>۱</sup> و روی جعبه آنها نام سازمان ملل<sup>۲</sup> درج شده، با حالت تعجب و حیرت (انگشت به دهان) به مسجد می‌نگرند (نمایندگان آژانس از نظر کنشی دچار شک و تعجب هستند). عبارت «مسجد جدید ما» و نگاه بازرسان، کنایه‌آمیز و نشان از سوءظن و بدگمانی آنهاست، برای مخاطب، پیام سیاسی گیج‌کننده دارد و اشاره به تفاوت‌های فرهنگی عمیق از مسجد یا آموزه‌های دینی بین مسئولان جمهوری اسلامی و بازرسان دارد. همچنین درج برچسب سازمان ملل بر روی جعبه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشانگر این است که مسئله هسته‌ای ایران، مسئله‌ای بین‌المللی بوده و دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، موضوع و نگرانی جهانی است.

در سطح عقیدتی / اسطوره‌ای، نظر عقیدتی این است که علی‌رغم گزارش‌ها، ایران برنامه هسته‌ای خود را، هم به‌خوبی پیش برده و هم به‌خوبی مخفی نگه داشته است. در این

---

1. IAEA  
2. UN

❖ سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

راستا، کارتون، سیاست‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اعتماد به ایران را مورد انتقاد قرار می‌دهد. در واقع، ایران دارای برنامه مخفیانه برای ساخت سلاح‌های اتمی است. کارشناسان بین‌المللی انرژی اتمی فقط مکان و سایت‌های مشخصی را بازرسی می‌کنند که نشان از انحراف نداشتن برنامه هسته‌ای به بمب هسته‌ای است؛ اما ایران فعالیت‌های هسته‌ای منجر به تولید بمب هسته‌ای را در زیر مساجد دنبال می‌کند و آمریکا نباید به سیاست و کنش‌های گفتاری مسئولان جمهوری اسلامی و بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعتماد کند و در نتیجه بی‌صدقاتی مسئولان و بی‌نتیجه بودن راهبرد فعالیت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، باید در این زمینه محکم عمل کند (مداخله کند) و این یکی از سطوح عقیدتی پیام کارتون است.

برای تفسیر کارتون و رمزگشایی دقیق استعاره‌های ظریف و ارتباط آنها با یکدیگر، نیازمند درجه‌ای از دانش درباره موقعیت و شرایط سیاسی در عرصه بین‌المللی هستیم که در آن، ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد مسئله انرژی اتمی مذاکره می‌کنند. به‌طور کلی، اظهارنظرها و کنش‌های سیاسی مسئولان آژانس تا الان نشان داده که بنا به دلایل مختلف، گزارش‌های قطعی و شفافی مبنی بر عدم انحراف برنامه هسته‌ای ایران به سمت سلاح هسته‌ای نداده‌اند و گزارش‌ها همواره همراه با شک و تردید بوده است. این عمل دستاویزی برای برخی از غربی‌ها به‌ویژه آمریکایی‌ها شده تا در مورد این مسئله اظهارنظرهای افراطی از خود نشان دهند. برخی از سیاستمداران آمریکا بر این باورند که ایران در مساجد به دنبال دستیابی به بمب هسته‌ای است. مثلاً نیوت گینگریچ<sup>۱</sup>، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طی مناظره‌ای با جان هانتس من<sup>۲</sup> مدعی پنهان کردن سلاح‌های هسته‌ای در زیر مساجد در ایران شد و بیان کرد که ایران تأسیسات بزرگ زیرزمینی دارد و برخی از تأسیسات هسته‌ای این کشور در زیر مساجد قرار گرفته است و

1. Newt Gingrich, Gingrich- "Iran is hiding nukes under mosques", <http://theuglytruth.wordpress.com/2011/12/16/gingrich-iran-is-hiding-nukes-under-mosques/>

2. Jon Huntsman

در ادامه گفت: این حرف که شما با بمباران می‌توانید تمام برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کنید، تنها یک توهم است. ایرانیان از حمله اسرائیل به سلاح‌های هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱ م. این نتیجه منطقی را گرفتند که اگر تأسیسات هسته‌ای خود را بر روی زمین بسازند، آمریکایی‌ها آنها را پیدا کرده و از بین می‌برند، لذا، آنها دارای تأسیسات زیرزمینی عظیمی هستند. برخی از این تأسیسات زیرزمینی در زیر مساجد قرار دارند. چنین کنش گفتاری در مورد موضوع برنامه هسته‌ای ایران، نوعی کنایه است زیرا گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ اشاره‌ای به مسجد ندارد. کاریکاتوریست با استفاده از این گفتمان حاکم در غرب و به‌ویژه آمریکا استفاده کرده و آن را در فضا و گفتمان این کارتون نشان داده است که ایران در زیر مساجد، بمب هسته‌ای می‌سازد. همچنین، کنار هم قرار گرفتن کارشناسان آژانس (با برچسب سازمان ملل) و ارتباط و کنش غیرکلامی آنها نشان می‌دهد که رابطه بین آژانس انرژی اتمی (به‌عنوان نماینده جامعه جهانی) و ایران رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد نیست بلکه همراه با تردید و شک است و این را می‌توان از عکس‌العمل کارشناسان و کنش آنها فهمید و علامت تعجب (انگشت به دهان) نشانه‌ای بر تأیید این مدعاست.

همان‌طور که پیرامون پیام کارتون مطرح شد، مسئله انرژی هسته‌ای ایران، مسئله جهانی بوده؛ اما بیشترین تأکید در این کارتون تمایز بین ایران اسلامی و آمریکا است. از نقطه‌نظر شرق‌شناسی، اسلام تهدید است و دولت ایران به دلیل اسلامی بودن، تهدیدی برای آمریکا و غرب محسوب می‌شود. لباس روحانیت و محاسن بلند نشانه‌ای است که با استفاده از کارکرد مجاز مرسل از نوع جز به کل، حکومت ایران و اسلامی بودن نوع حکومت را القا می‌کند و از آن جایی که روحانیت عامل اصلی گسترش و توسعه عقیده اسلامی و نیز دستیابی به سلاح هسته‌ای است، بنابراین دولت ایران به دلیل ماهیت اسلامی‌اش، غیرقابل اعتماد و تهدید است. آمریکا و غرب باید فوریت خطر هسته‌ای ایران را مدنظر قرار داده و سیاست مداخله‌جویانه به‌کار گیرند. این اساس عقیدتی کارتون است. از سوی دیگر، این

❖ سال پانزدهم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۳

کارتون در سطح ضمنی، با به تصویر کشاندن مسجد، روحانی و بمب هسته‌ای، نوعی طرحواره غالب غرب را به تصویر کشیده و ارتباطی بین دکترین سیاسی، عقیده مذهبی جمهوری اسلامی و برنامه اتمی ایجاد می‌کند. بدین معنا که مذهب نقش مهمی در سیاست جمهوری اسلامی و برنامه اتمی ایران دارد و چون ایران، اسلامی است، ایده‌ها و آموزه‌های اسلامی که از نظر غربی‌ها تهدیدی برای غرب و به‌ویژه آمریکا است، دستیابی به انرژی هسته‌ای هم نوعی تهدید به حساب می‌آید. از سوی دیگر، اسطوره «تهدید اسلامی» برای کنگره آمریکا در روابط خارجی نوعی تهدید نظامی و امنیتی، توجیهی برای بودجه‌های کلان نظامی و سیاست خارجی و ارائه دشمن، ادعایی برای ایجاد پیش‌نیازهای سیاسی- روان‌شناختی برای توجیه کنش نظامی است.

### نتیجه‌گیری

تحلیل نمونه کارتون‌های مورد نظر نشان داد که در تصویرپردازی‌های خود، ایران و برنامه هسته‌ای آنرا به روش‌های بسیار محدود و مسئله‌ساز معرفی کردند و با استفاده از نمادها و ترکیب بصری دو فضای متفاوت، یک واحد فضایی مشخص (فضای سوم) را تشکیل داده‌اند که معنای جدیدی از آن بیرون آمده است که در دو فضای قبلی نیست. این معانی جدید، فضای گفتمانی را در کارتونها شکل داده که به‌نحو مؤثری منعکس‌کننده عقیده شرق‌شناسی تعریف‌شده در فرهنگ عامه‌پسند، گفتمان حاکم در غرب و به‌ویژه آمریکا است. از نقطه نظر شرق‌شناسی، اسلام یک تهدید و غیرقابل اعتماد است و دولت ایران به دلیل اینکه اسلامی است تهدیدی برای امنیت آمریکا و غرب و غیرقابل اعتماد است و این اساس عقیدتی و اسطوره غربی ما در مقابل آنها در این کارتونها بود.

همچنین، امنیت به توجیه اساسی برای تبدیل هراس و ترس از دیگری به نام ایران و اسلام و هراس صورت‌بندی‌شده در این روایت عامه‌پسند سیاسی، در مفهومی برجسته‌شده از خطر نهفته انعکاس یافته بود. بدین معنی که ایران به‌عنوان کشور اسلامی و انرژی

هسته‌ای آن، خطر و تهدیدی برای امنیت آمریکاست. در حقیقت، صرف داشتن دانش هسته‌ای و تلاش ایران برای غنی‌سازی، خطری بالقوه و نهفته برای امنیت آمریکاست. در این کارتونها، آگاهی از امنیت به‌عنوان یک برساخت سیاسی به رمزگان نمادینی تبدیل شده تا مداخله‌های تحمیلی و سیاست مداخله‌جویانه به‌عنوان بخش لاینفک سیاست خارجی و نیز راهبرد داخلی آمریکا را توجیه کند. مفاهیمی که این کارتونها به خواننده انتقال می‌دهند، ترس آنها را از برنامه هسته‌ای ایران بیشتر می‌کند. این ترس را می‌توان در روایت کلان و غالب فرهنگی، یعنی اسطوره «تهدید اسلامی» قرار داد که در اخبار و سایر دسته‌بندی‌های مردم‌پسند آمریکا و غرب مشاهده شده است. تهدید اسلامی برای کنگره آمریکا در روابط خارجی نوعی تهدید نظامی و امنیتی، توجیهی برای بودجه‌های کلان نظامی و سیاست خارجی و ارائه دشمن، ادعایی برای ایجاد پیش‌نیازهای سیاسی- روان‌شناختی برای توجیه کنش نظامی است. از سوی دیگر، کارتونها‌های مورد تحلیل نشان داد که برنامه هسته‌ای ایران موضوعی بین‌المللی و در عین حال نوعی تهدید جهانی و بین‌المللی است، بدین معنی که پایداری و امنیت انرژی جهانی را تهدید می‌کند زیرا ایران هسته‌ای باعث کاهش عرضه منابع نفتی در منطقه و در نتیجه افزایش قیمت نفت در جهان خواهد شد. بر همین اساس، به‌رغم گزارش بازرسان بین‌المللی از انحراف نداشتن انرژی هسته‌ای ایران و فقط توانایی غنی‌سازی اورانیوم، کارتونها ضمن انتقاد از روند مذاکره در این زمینه از یک‌سو و بازدیدهای بازرسان آژانس از سوی دیگر، حاوی این پیام بودند که ایران در حال حاضر یا دارای فعالیت زیرزمینی برای دستیابی به بمب هسته‌ای است یا در آینده نزدیک این اتفاق رخ می‌دهد. در واقع، رویداد اتفاق‌نیفتاده را به‌مثابه گزارش واقعی از جهان اجتماعی برساختند. کارتونها در طراحی ترس و هراس از دیگری به نام ایران اسلامی طوری عمل کردند که بایستی این ترس را شناخت زیرا جامعه آمریکا را تهدید می‌کند.

## منابع و مأخذ

- فلیک، اووه، (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- چندلر، دانیل، (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
- سید احمد کرمانی، هدیه، (۱۳۸۰). «نقش کاریکاتور در هدایت افکار عمومی به مسائل سیاسی: تحلیل و محتوای دو روزنامه کیهان و ایران در سال ۱۳۷۹». پایان نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
- فخری، نسرین، (۱۳۹۰). «تاریخ تحول و مختصات کاریکاتور در فرانسه: مطالعه موردی تحلیل کاریکاتورهای پلاتو در صفحه اول روزنامه لوموند». پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرانسه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران.
- محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۸۱). «یافته‌های ارتباطات میان فرهنگی در کاریکاتورهای مطبوعات ایران راجع به واقعه ۱۱ سپتامبر و وقایع بعدی». *دین و ارتباطات*، شماره ۱۶.

- Aiello, G. (2006). "Theoretical Advances in Critical Visual Analysis". *Journal of Visual Literacy*, Spring, 26 (2): 89-102.
- Barthes, R. (1977). *Rhetoric of the Image, in Image/Music/Text*. New York: Hill and Wang.
- Barthes, R. (1984). *Myth Today, in Mythologies, Translated by Annette Lavers*. New York: Hill and Wang.
- Burton, G. (2005). *Media and society: Critical perspective*. Open University Press.
- Connors, J. L. (2005). "Visual representations of the 2004 Presidential Campaign: Political cartoons". *The American Behavioral Scientist*, 49(3): 479-487.
- Danjoux, I. (2007). "The Political Cartoon and The Collapse of the Oslo Peace Process". *Central European Journal of International Security Studies*, 1 (1).
- Desousa, M. A., & Medhurst, M. J. (1982). "Political Cartoons and American Culture: Significant Symbols of Campaign 1980". *Studies in Visual Communication*, 8: 84-97.
- Dodds, K. (2010). "Popular Geopolitics and Cartoons: Representing Power Relations, Repetition and Resistance". *Critical African Studies*, 4.
- Hall, S. (1984). *The Rediscovery of "Ideology": Return of The Repressed in Media Studies*. In M. Gurevitch, T. Bennett, J. Curran and J. Woollacott (Eds.), *Culture, Society and the Media*. London: Methuen.



- Hall, S. (1996). *The Question of Cultural Identity*. in Stuart Hall & David Held, eds, *Modernity & its Futures*, Cambridge: Polity Press.
- Hall, S. (1997). *The Spectacle of Other, In Cultural Representation and Signifying Practice*, Sage Publication
- Hansen, L. (2011). "Theorizing the Image for Security Studies". *European Journal of International Relations* 2011: 17: 51 originally published online 19 January 2011.
- Holbert, R. Lance, D. V., & Nojin, K. (2003). "Political Implications of Prime-Time Drama and Sitcom Use: Genres of Representation and Opinions Concerning Women's Rights". *Journal of Communication* 53(1): 45-60.
- Kangas, A. (2009). "From Interfaces to Interpretants: A Pragmatist Exploration into Popular Culture As International Relations". *Millennium. Journal of International Studies*, 38 (317).
- Kenney, K. (2002). "Building Visual Communication Theory by Borrowing from Rhetoric". *Journal of Visual Literacy*, Spring, 22(1).
- Kuipers, G. (2011). "The Politics of Humour in the Public Sphere: Cartoons, Power and Modernity in the First Transnational Humour Scandal". *European Journal of Cultural Studies*, 14: 63
- Lindholm, K., & Olsson, E. (2011). "Crisis Communication as a Multilevel Game: The Muhammad Cartoons from a Crisis Diplomacy Perspective". *The International Journal of Press/Politics*, Vol. 16, 2: 254-271.
- Moss, D. (2007). "The Animated Persuader". *Journal: PS: Political Science and Politics*, Apsa, April.
- Olesen, T. (2009). "The Muhammad Cartoons Conflict and Transnational Activism". *Ethnicities*; vol. 9, 3: 409-426.
- Olesen, T. (2011). "Transnational Injustice Symbols and Communities: The Case of al-Qaeda and the Guantanamo Bay Detention Camp". *Current Sociology*; vol. 59, 6: 717-734.
- Ryan, M. (2010). *Cultural Studies: A Practical Introduction*. Wiley-Blackwell.
- Shehata, A. (2007). "Facing the Muhammad Cartoons: Official Dominance and Event-Driven News in Swedish and American Elite Press". *The Harvard International Journal of Press/Politics*, 12: 131.
- Simon Weaver, S. (2010). "Liquid Racism and the Danish Prophet Muhammad Cartoons". *Current Sociology*, vol. 58, 5: 675-692.

- Strömbäck, J., Shehata, A., Dimitrova, D.V. (2008). "Framing the Mohammad Cartoons Issue: A Cross-Cultural Comparison of Swedish and US Press" *Global Media and Communication*, 4: 117.
- Young, D. G. (2008). "The Privileged Role of the Late-Night Joke: Exploring Humor's Role in Disrupting Argument Scrutiny". *Media Psychology* 11(1):119-42.